مکتوب آنجناب در سجن اعظم بنظر اين مظلوم رسيد و اينکه سؤال از حکم اللّه در امر معاد و معاش نموده بوديد مفهوم گشت نِعم ما سئَلتَ چه که خيرش بشما و ساير عباد در ظاهر و باطن راجعست انّ ربّک لهو العليم المجيب سبب اعظم آفرينش عرفان اللّه بوده و هر نفسی اليوم از عرف قميص رحمانی بوطن اصلی که مقام معرفت مطلع اوامر الهيّه و مشرق وحی ربّانيّه است فائز شد او بکلّ خير فائز بوده و خواهد بود و بعد از ورود اين مقام اعلی دو امر از برای هر نفسی لازم و واجبست يکی استقامت بر امر اللّه بشأنيکه اگر جميع ناس بخواهند او را از مصدر امر منع نمايند قادر نباشند و امر ديگر اتّباع اوامر الهيّه است که از معين قلم مشيّت ربّانيّه جاری شده چه که معرفت حق تمام و کامل نميشود مگر بمتابعت آنچه امر فرموده و در کتاب الهی نازل شده در سنه قبل کتاب اقدس از سمآء عطآء مالک اسما نازل آنچه در او نازل شده انشاء اللّه بعمل به آن موفّق شويد و أمّا أمر معاش بايد متوکّلا علی اللّه مشغول بکسب باشيد إنّه ينزل عليکم من سمآء ألطافه ما قدّر لکم إنّه لهو المقتدر القدير حمد کن مقصود عالم را که کتابت لدی المسجون وارد شد و از مقرّ امر جواب آن نازل و ارسال گشت چه که اين فضل بزرگيست از جانب حق اگر چه اليوم معلوم نيست ولکن زود است که معلوم خواهد شد

 قل سبحانک اللّهمّ يا إلهي أنا الّذي توجّهت إليک وتوکّلت عليک أسئَلک باسمک الّذي به تموّج بحر بيانک وتهيّج أرياح عرفانک بأن تجعلني مُوَفَّقًا علی خدمة أمرک وَمُؤَيَّدًا بذکرک وثنائک ثمّ أنزل عَلَيَّ من سمآء مواهبک ما يحفظني عن دونک وينفعني في کلّ عالم من عوالمک إنّک أنت المقتدر المتعالي المهيمن العليم الحکيم.